

در کدام گزینه، نادرستی املائی دیده می‌شود؟

- (۱) تهمت زده، لهجه، هجو، شکرگزار
- (۲) خوض نمودن، نیکو خصال، مصاحبت، مهاورات
- (۳) استراق سمع، قندیل، قناعت، قوس قزح
- (۴) خرسندی، موسم کهنسالی، حرص و هوس، سریر ملک

بیت زیر از سعدی، با کدامیک از ابیات، ارتباط معنایی بیشتری دارد؟
«چو خواهی که نامت بُود جاودان / مکن نامِ نیکِ بزرگان، نهان»

(۱) بمُرد آخر و نیک‌نامی بُرد / زهی زندگانی که نامش نمُرد

(۲) نیک‌نام از صحبت نیکان شوی / همچو از پیغمبر تازی، بلال

(۳) نام نیک رفتگان، ضایع مکن / تا بماند نام نیکت، یادگار

(۴) سعدیا، مردِ نکونام نمیرد هرگز / مرده آن است که نامش به نکویی

نبرند

در کدام گزینه «اضافه تشبیهی» دیده نمی‌شود؟

(۱) بامدادی که تفاوت نکند، لیل و نهار / خوش بود دامن صحرا و
تماشای بهار

(۲) اگر تشنه مانی، ز سختی مجوش / که سقّای ابر، آبت آرد به دوش

(۳) بکن پنبه غفلت از گوشِ هوش / که از مردگان پندت آید به گوش

(۴) ای دل ار سیلِ فنا بنیادِ هستی برگند / چون تو را نوح است
کشتیبان، ز توفان غم مخور

با توجه به بیت «هُمَّای اوج سعادت به دام ما افتد / اگر تو را گذری بر مقام
ما افتد» گزینه درست کدام است؟

(۱) در بیت آرایه جان بخشی (تشخیص) دیده می‌شود.

(۲) در بیت «وابسته پیشینِ گروه اسمی» وجود دارد.

(۳) فعل در مصراع دوم «مضارع التزامی» است.

(۴) حرف «را» در مصراع دوم نشانه مفعولی است.

در همه ابیات زیر، آرایه «جناس» دیده می‌شود، به جز

(۱) مار بد جانی ستاند از سلیم / یار بد آرد سوی نار مقیم

(۲) بامدادی که تفاوت نکند لیل و نهار / خوش بُود دامن صحرا و
تماشای بهار

(۳) بِرستی ز دریا و چنگِ نهنگ / به دشت آمدی باز، پیچان به جنگ؟

(۴) خداوندِ کیوان و گردان سپهر / فروزنده ماه و ناهید و مهر

کدام بیت با مفهوم بیت «همی دانه و خوشه خروار شد / ز آغاز، هر خوشه
خروار نیست» ارتباط معنایی دارد؟

(۱) در دل تنگم خموشی می‌کند انبار حرف / محرمی کو تا بگویم
اندک از بسیار حرف

(۲) بس اندک سپاها که روزِ نبرد / ز بسیار لشکر برآورد گردد

(۳) گروهی فراوان طمع ظن بَرند / که گندم نیفشانده خرمن بَرند

(۴) اندک اندک به هم شود بسیار / دانه دانه است غلّه در انبار

نوع پرسش در کدام گزینه با بقیه فرق دارد؟

(۱) ای نامِ تو بهترین سرآغاز / بی نامِ تو نامه کی کنم باز؟

(۲) تو را پرواز بس زود است و دشوار / ز نوکاران که خواهد کار بسیار؟

(۳) کیست آن صورتگرِ ماهر که بی تقلیدِ غیر / این همه صورت برد بر
صفحه هستی به کار؟

(۴) خار بر پشت زنی زین سان گام / عزّت چیست؟ عزیزیت کدام؟

برای کدام واژه نمی‌توان هم‌خانواده‌ای در ابیات زیر یافت؟

الف) از پی آن گفت حق، خود را بصیر / که بُود دیدِ وی‌ات هر دم نذیر

ب) گل عزیز است غنیمت شمُری‌دش صحبت / که به باغ آمد از این راه و
از آن خواهد شد

پ) هر گزم در سر نبود اندیشه سودا و لیک / پیل اگر در بند می‌افتد،
مُسخر می‌شود

ت) ای مُدّعی، برو که مرا با تو کار نیست / احباب حاضرند به اعدا چه
حاجت است؟

(۱) اغنیا

(۲) محتاج

(۳) مبصر

(۴) تسخیر

در همه گزینه‌ها، جابه‌جایی ضمیر «جهش ضمیر» دیده می‌شود، به جز گزینه ...

(۱) چو اکوانش از دور خفته بدید / یکی باد شد تا بر او رسید

(۲) به دریای ژرف، اندر انداختش / کفن، سینه ماهیان ساختش

(۳) به دست خودت چشم و ابرو نگاشت / که محرم به اغیار نتوان
گذاشت

(۴) ای دریغ از من که ویران بینمت / بیشه را خالی ز شیران بینمت

مترادفِ بخشِ مشخص‌شده عبارت زیر، در کدام گزینه آمده است؟

«من و بویه رهایی / و گرم به نوبت عمر / رهیدنی نباشد»

(۱) جهانی از این کار گردد خراب / برآید همه کامِ افراسیاب

(۲) ای مرغِ سحر چند کنی ناله و زاری / از دردِ که می‌نالی و اندوهِ که
داری؟

(۳) بیا تا جهان را به بد نسپریم / به کوشش همه دست نیکی بریم

(۴) مرا به بوی خوست جان ببخش و زنده بدار / که از تو چیزی از این
بیشتر نمی‌خواهم

در همه گزینه‌ها «صفت مبهم» دیده می‌شود، به جز

(۱) هر که نامُخت از گذشتِ روزگار / نیز ناموزد ز هیچ آموزگار

(۲) کوه و دریا و درختان همه در تسبیح‌اند / نه همه مستمعی فهم
کند این اسرار

(۳) نباید که بدپیشه باشدت دوست / که هر کس چنانست شمارد که
اوست

(۴) تا قیامت سخن اندر کرم و رحمت او / همه گویند و یکی گفته
نیاید ز هزار

در کدامیک از ابیات زیر نقش دستوری «مُسند» دیده می‌شود؟

(۱) چو بفروختی از که خواهی خرید؟ / متاع جوانی به بازار نیست

(۲) ز آزادگان، بردباری و سعی / بیاموز، آموختن عار نیست

(۳) دیده‌ای نیست نبیند رُخ زیبای تو را / نیست گوشه‌ای که
همی‌نشود آوای تو را

(۴) به چشم بصیرت به خود درنگر / تو را تا در آینه، زنگار نیست

بیت «نیابد بدو نیز، اندیشه راه / که او برتر از نام و از جایگاه» با کدام گزینه ارتباط معنایی بیشتری دارد؟

(۱) هست آن اندیشه پیش خلق، خُرد / لیک چون سیلی جهان را
خورد و بُرد

(۲) هر چه در وصف تو گویند و کنند اندیشه / آن همه دون حق
توست و تو برتر ز آنی

(۳) از یک اندیشه که آید در درون / صد جهان گردد به یک دم
سرنگون

(۴) آن که بنا کرد جهان، زین چه خواست؟ / گر به دل اندیشه کنی
زین رواست

در همه ابیات زیر «یک متمم با دو حرف اضافه» دیده می‌شود، به جز

(۱) به دریا در منافع بی‌شمار است / و گر خواهی سلامت، برکنار است

(۲) که من فَرّ فرماندهی داشتم / به سر بر، کلاه مِهی داشتم

(۳) که رفتم از سحرگه تا شبانگه / مگر گفتم که پیمودم بسی ره

(۴) مهتری گر به کام شیر در است / شو، خطر کن ز کام شیر بجوی

از کدام شخصیت، هیچ اثری در بین آثار زیر دیده نمی‌شود؟

«مخزن الاسرار، حذیقہ الحقیقہ، قابوس نامہ، آثارالباقیہ، اسرارالتّوحید،
کیمیای سعادت، افسانہ، داستان زندگی من»

(۱) نیما یوشیج

(۲) محمد غزّالی

(۳) سنایی غزنوی

(۴) محمدتقی بهار